

مهم ترین مطالب عقیدتی سیاسی مصاحبه استخدامی

آنچه در این فایل مشاهده خواهید کرد

ولایت فقیه

شورای نگهبان، وظایف، اعضا، مصاحبه عقیدتی، سیاسی استخدامی

مراجع تقلید، مصاحبه عقیدتی استخدامی

مجلس خبرگان رهبری، مصاحبه عقیدتی، سیاسی استخدامی

احکام مبطلات روزه و قضای روزه، مصاحبه عقیدتی استخدامی

شکایات و مبطلات نماز، مصاحبه عقیدتی سیاسی استخدامی

اختلاف نظر بین ولایت فقیه و مرجع تقلید، مصاحبه عقیدتی سیاسی استخدامی

شورای نگهبان، وظایف، اعضا، مصاحبه عقیدتی، سیاسی استخدامی

احکام و دستورات نماز جمعه، نماز آیات، نماز مسافر

مختصری در باب احکام جعاله

نکاتی در مورد نماز جمعه

... نماز های مستحی و واجب، شرایط و

فروع ده گانه دین

زکات

کتابشناسی اسلامی

سجده سهو

ولایت فقیه

ولایت فقیه نظریه‌ای در فقه شیعه است که نظام سیاسی مشروع در دوران غیبت امامان معصوم را بیان می‌کند. نظام جمهوری اسلامی نیز بر اساس این نظریه تأسیس شده‌است.

بر خلاف برخی همچون آیت الله منتظری که نظریه ولایت فقیه را انتخابی (انتخاب از طرف مردم) دانسته اند ولایت فقیه امری انتصابی است که انتصاب آن از طرف خدا و الهی می‌باشد که در ادامه دلایل آن را خواهیم آورد

همچنین ولایت فقیه امری مطلقه است و بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه لازمه پذیرش حکومت اسلامی، روا داشتن اختیارات مطلق برای فقیه‌است. فقیه، حاکم علی الاطلاق است و همه اختیارات امام معصوم شیعه را دارا است؛ زیرا ولایت مطلق، به معنای رعایت مصالح عام در سرپرستی جامعه‌است و چون حوزه حکومت، مصالح عمومی را نیز در بر می‌گیرد، بدون ولایت مطلق برپایی حکومت اسلامی و اجرای احکام دین ممکن نیست.

و این اصل که در بازنگری سال ۶۸ نیز به قانون اساسی اضافه گردید بدین جهت است تا سوء تفاهمی پیش نیاید که وظایف رهبری تنها به اصل ۱۱۰ قانون اساسی محدود می‌گردد.

منظور از ولایت مطلقه، هرگز مطلقه به معنای استبدادی و رها از هر گونه ضابطه و معیار نیست که اگر چنین معنایی برای ولایت فقه تصور شود، با شرط عدالت در ولایت فقیه سازگار نیست. اساساً چنین معنایی با اساس حکومت در اسلام که به معنای حکومت دین و قانون اسلام است سازگار نبوده حتی پیامبر و امامان معصوم نیز از چنین ولایت و توسعه اختیاراتی برخوردار نیستند. قرآن کریم حتی برای پیامبر اسلام چنین حقی قائل نیست که بر طبق میل خود و هرگونه که خواست عمل کند

و شاه‌رگ چنین پیامبر را نیز قطع خواهد کرد. تا چه رسد به جانشینان غیر معصوم او که باید امانتدار اسلام و نبوت باشند .

در يك كلام مراد از ولايت مطلقه فقيه اين است كه ولي فقيه در تأمين مصالح لازم الاستيفای جامعه اسلامی كاملاً مبسوط‌اليد بوده هیچ امری نمی تواند وی را از اين مهم منع نماید .

و اما بحث اثبات ولايت فقيه به دو دسته تقسيم میگردد: عقلی و نقلی

دلایل عقلی:

باید توجه داشت که علمای شیعه معتقدند برای اثبات به يك حکم شرعی ممکن است به چهار نوع دلیل استناد کنیم: ۱. کتاب ۲. سنت ۳. اجماع ۴. عقل. از نظر علمای شیعه لازم نیست برای اثبات يك حکم شرعی حتماً آیه یا روایتی در دست داشته باشیم بلکه می توان با استفاده از عقل و دلیل عقلی معتبر نیز به حکمی از احکام شریعت اسلام دست یافت و ان را اثبات نمود. بنابر این، از نظر فقهی ارزش استناد به دلیل عقلی برای اثبات ولايت فقيه به هیچ روی کم تر از ارزش استناد به ادله نقلی و آیات و روایات نیست. ما در این جا ابتدا دلیل عقلی و بدنبال آن دلیل نقلی را برای اثبات ولايت فقيه ذکر می کنیم .

دلایل عقلی :

دلیل عقلی اول:

مقدمه یک : هر جامعه ای برای تامین نیاز های و مصالح فردی و اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج نیاز به حکومت دارد .

مقدمه دوم : حکومت ایده ال و مطلوب ترین شکل آن حکومتی است که در راس آن امام معصوم باشد و جامعه را اداره کند.

مقدمه سوم : وقتی تامین و به دست آوردن یک امر ایده ال میسر نباشد باید نزدیک ترین امر به این ایده آل انتخاب شود (انتخاب بین بد ، متوسط ، خوب در زمان نبودن عالی !! که همانا خوب انتخاب می شود.) (بلا تشبیه)

مقدمه چهارم: نزدیک بودن یک حکومت به حکومت امام معصوم در سه امر نشان داده می شود:
۱ - علم به احکام کلی اسلام (فقاہت) ۲ - شایستگی های روحی و اخلاقی به گونه ای که گرفتار هوا های نفسانی و تهدید و تطمیع ها نگردد (تقوی) ۳ - کارایی در مقام مدیریت جامعه که به صفاتی از قبیل درک سیاسی و اجتماعی یا همان بصیرت ، آگاهی از مسائل بین الملل ، شجاعت در برخورد با دشمنان ، تشخیص اولویت ها و قابل تحلیل است.

بر اساس این مقدمات نتیجه می گیریم: پس در زمان غیبت امام معصوم باید شخصی که بیشتر از سایرین دارای این صفات است زعامت و پیشوایی جامعه را عهده دار شود و با قرار گرفتن در راس حکومت ارکان آن را همسو و به سوی کمال مطلوب سوق دهد.

دلیل عقلی دوم :

مقدمه یک : ولایت بر اموال و اعراض و نفوس مردم ، از شئون ربوبیت الهی است و تنها با نصب و اذن خداوند متعال مشروعیت می یابد. (در غیر این صورت حکومت را طاغوت گویند)

مقدمه دوم: این حق دخالت در اموال و نفوس مردم ، از جانب خدای متعال به پیامبر ص و امامان ع داده شده است.

مقدمه سوم : در زمانی که مردم از وجود رهبر معصوم محرومند یا باید خداوند متعال از اجرای احکام اجتماعی اسلام صرف نظر کرده باشد (که این عقلا محال است چون با حکمت خداوند در تناقض است) یا اجازه اجرای آن را اصلح از دیگران است داده باشد .

مقدمه چهارم: فقیه جامع الشرایط یعنی فقیهی که از دو ویژگی تقوا و کارایی در مدیریت جامعه برخوردار باشد که صلاحیتش از باقی افراد بیشتر است.

نتیجه: فقیه جامع الشرایط همان فرد اصلحی است که در زمانی که مردم از وجود رهبر معصوم محروم اند از طرف خدای متعال و معصوم اجازه اجرای احکام اجتماعی اسلام به او داده شده است .

دلیل نقلی :

ادله نقلی در این مساله عبارت است از روایاتی که در آن به رجوع مردم به علما برای رفع مشکلات حکومتی همچون قضاوت و اختلافات حقوقی و یا فقها را به عنوان (امناء) (خلفا) (وارثان) پیامبران و کسانی که بجاری امور به دست ایشان است معرفی کرده است .

برای اثبات این نقلیات و صحت آن بحث های فراوانی است و برای همین در اینجا به منابعی استناد می گردد که در تشیع تشکیک در صحت آن مجاز نیست و از معتبر ترین منابع روایی ستند مانند: مقبوله عمر بن حنظله ، مشهوره ابو خدیجه و توقیع شریفکه در پاسخ اسحاق بن شریف صادر شده است.

نکته مهم: این روایات برای زمان حضور معصوم است و به دلیل حساسیت غیبت امام صحت و استناد این کلام ها نه تنها کم نمی شود بلکه ممکن است قوی تر و مهم تر گردد.

احتمال این که نصب ولی امر در زمان غیبت به دست مردم سپرده شده باشد گذشته از اینکه کوچکترین دلیلی برای آن وجود ندارد با توجه به ربوبیت تشریعی خداوند (ان الحكم الا لله) سازگار نیست و هیچ فقیه شیعه ای آن را حتی به عنوان یک احتمال بیان نکرده است .

1-روایتی که در بین فقها به (توقیع شریف) مشهور است. این توقیع در کتاب عالم بزرگ شیعه مرحوم شیخ صدوق در کتاب اکمال دین خود آورده است. این توقیع در واقع جواب نامه اسحاق بن یعقوب از طرف حضرت ولی عصر عج است. اسحاق در این نامه در سوالی از حضرت مهدی عج در باره حوادث واقعه می پرسد که در زمان غیبت پیش خواهد آمد و وظیفه ما چیست؟

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا ف ی علیکم و انا حجه الله علیهم .
و اما رخداد هایی که پیش می آید پس به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر شما هستم.

2-روایتی که از مقبوله عمر بن حنظله است : در این حدیث امام صادق در بیان تکلیف مردم در حل اختلافات و رجوع به یک مرجع صلاحیت دار که حاکم بر مسلمین باشد چنین می فرماید: (متن عربی به دلیل زیاد بودن حذف و فارسی آن قرار داده می شود)

هرکس از شما که راوی حدیث ما باشد و در حلال و حرام ما بنگرد و صاحب نظر باشد و احکام ما را بشناسد و آن را به عنوان داور بپذیرد. همانا من او را حاکم بر شما قرار دادم . پس هرگاه حکمی

کرد و از او قبول نکردند ، حکم خدا را سبک شمرده اند و ما را رد کرده اند و آن کس که ما را رد کند خدا را رد کرده است و رد کردن خداوند در حد شرک به اوست.

براساس:

اصول کافی

وسایل الشیعه

کتاب نگاهی گذرا به ولایت فقیه مصباح یزدی

کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره)

وب سایت مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه

وب سایت ویکی پدیا

سجده سهو

برای سه چیز بعد از سلام نماز انسان باید دو سجده سهو به جای آورد: اول: اینکه در بین نماز سهوا حرف بزند. دوم: اینکه یک سجده را فراموش کند. سوم: اینکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت. و در دو مورد بنا بر احتیاط واجب باید سجده سهو انجام دهد- در جایی که نباید نماز را سلام دهند مثلا در رکعت اول سهوا سلام بدهد.- اینکه تشهد را فراموش کند. و در غیر این موارد سجده سهو واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آن است

که برای ایستادن یا نشستن بی جا بلکه برای هر زیادی و نقصی در نماز سجده سهو بجا آورد. و اگر بعدا بفهمد کاری که برای آن سجده سهو انجام داده نیاز به سجده سهو نداشته اشکال ندارد. برای سجده سهوی که بر انسان لازم شده باید بعد از نماز بدون این که صورت را از قبله برگرداند بعد از نیت سر را روی مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و ذکر سجده سهو را بگوید و گفتن تکبیر واجب نیست، گرچه مطابق احتیاط مستحبی است و بهتر است در ذکر سجده سهو این ذکر را بگوید «بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و بركاته» البته در هر دو سجده این ذکر را میگوید و بعد از آن یک تشهد میخواند و یک سلام کافی است. گفتنی است که در ذکر سجده سهو اگر بگوید «بسم الله و بالله و صل الله علی محمد و آل محمد» و یا بگوید «بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد» اشکال ندارد (توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۲۳۶).

شورای نگهبان، وظایف و اعضا

شورای نگهبان قانون اساسی از نهادهای نظارتی نظام جمهوری اسلامی ایران است که از دوازده عضو تشکیل شده است. شش عضو از این دوازده تن فقهای هستند که با حکم رهبر عزل و نصب می شوند و شش عضو دیگر حقوقدانانی هستند که با معرفی رئیس قوه قضاییه و اعلام نظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب می شوند.

تمامی قوانین مجلس شورای اسلامی و صلاحیت نامزدهای تمامی انتخابات سراسری کشور به استثنای انتخابات شوراهای شهر و روستا باید به تایید این شورا برسند.

نخستین وظیفه شورای نگهبان، نظارت بر تدوین قوانین در مجلس شورای اسلامی است. این شورا وظیفه دارد که هر قانون تصویب شده در مجلس را با قانون اساسی و قوانین شرعی اسلام مطابقت دهد که در صورت مطابقت داشتن، لایحه یا طرح مجلس را تایید می کند. در صورت عدم مطابقت، آن لایحه یا طرح به مجلس برگردانده می شود تا مجلس اصلاحات مورد نظر شورای نگهبان را بررسی کند. در صورت پافشاری مجلس بر نظر خود، طرح یا لایحه مورد نظر به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده می شود.

دومین وظیفه شورا نظارت بر کلیه انتخابات کشور است. شورای نگهبان موظف است صلاحیت همه نامزدهایی که جهت شرکت در هر انتخابات به جز انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در وزارت کشور ثبت نام می کنند را بررسی نموده و پس از آن اجازه شرکت در انتخابات را به آن کاندیدا بدهد.

اعضای حال حاضر شورای نگهبان

فقها

۱- احمد جنتی (دبیر شورای نگهبان)

۲- محمد مومن

۳- غلامرضا رضوانی

۴- صادق لاریجانی - < هاشمی شاهرودی

۵- محمدحسن قدیری - < محمد رضا مدرس یزدی

۶- محمد یزدی

حقوقدانان

۱- غلامحسین الهام

۲- محمد رضا علیزاده

۳- محسن اسماعیلی

۴- ابراهیم عزیزی

۵- عباسعلی کدخدایی (سخنگو)

۶- عباس کعبی

مراجع تقلید

مرجع تقلید به مجتهد جامع الشرایطی گفته می‌شود که توضیح المسائل (رساله عملیه) یا کتاب استفتائات داشته باشد و دارای پیروانی باشد که در فروع دین و احکام فقهی اسلامی از وی پیروی کنند.

کلمه «مرجع» در لغت، اسم مکان به معنای محل رجوع است. از این رو، در اصطلاح، به مجتهدی که نسبت به دیگران اعلیٰ باشد و شرایط دیگری مانند پارسایی و آگاهی لازم از مسائل جهان اسلام و تشیع را داشته باشد، «مرجع» می‌گویند. زیرا شیعیان در احکام شرعی به وی رجوع می‌کنند. همچنین منظور از واژه تقلید در اینجا، پیروی از مجتهد جامع الشرایط است، و این امر، از باب رجوع به اهل خبره و متخصصین می‌باشد.

تقلید در مذهب شیعه از عصر امامان آغاز شد. آنان پیروانشان را به روایان حدیث یا یاران نزدیک خود، ارجاع می‌دادند و گاهی یاران خود را به حضور در مساجد و مراکز عمومی برای فتوا دادن و ارشاد مردم تشویق می‌نمودند. ظهور تقلید در عصر امامان و تشویق آنان به این امر، بعلة فاصله زیاد میان شهرها، فراهم نبودن امکانات ضروری برای مسافرت مردم و در نتیجه دشواری دسترسی به امام یا دسترسی نداشتن به وی، عامل تقیه در بسیاری موارد و بالاخره پدید آمدن مشکلات شخصی و عسر و حرج برای امامان در صورت مراجعة مستقیم مردم به آنها بود. در عصر غیبت صغرا نیاز به تقلید در احکام شرعی بیشتر احساس شد و بنا بر توقیعی که از آخرین امام دوازدهم شیعه نقل شده است، مرجع شناخت احکام در موضوعات جدید را فقیهانی معرفی کرده که دارای شرایطی هستند و مردم باید از آنها تقلید کنند. [۳]

تقلید در کتابهای اصول فقه از قرن چهارم هجری به عنوان یک اصطلاح فنی تعریف می‌شود. ابتدا این مفهوم ارتباط روشنی با آنچه که بعداً مرجع خوانده می‌شود، نداشت. اولین کسی که در میان شیعیان مقام مرجع یافت، شیخ طوسی در قرن پنجم بود، علمای دیگر خود را پیرو او دانستند و حکایت کردن از او بعدها تعبیر به تقلید از او شد. این تقلید، تقلید عالم از عالم خوانده می‌شود. اما اصول تقلید عامی از مجتهد در سده دهم بود که شکل روشنی یافت. [۲]

در ابتدا رابطه مردم و فقهای بزرگ که مرجع نامیده می‌شدند رابطه‌ای نامتمرکز بود و در منطقه یک یا چند فقیه محل رجوع مردم بودند. در دوان صفویه با حضور علمای مهاجر از جبل عامل، لبنان در دربار صفوی گرایشی به ایجاد تمرکز در روحانیت شکل گرفت و علمایی پدیدار شدند که شهرتی فراتر از منطقه خود داشتند. نقطه اوج این تمرکز در دوران اقامت آیت الله بروجردی در حوزه علمیه قم شکل گرفت، بروجردی مرجع تقلید بدون رقیب شیعیان شد و ثروت بزرگی در این شهر جمع شد. پس از مرگ او دوران تکثر مرجعیت دوباره فرا رسید.

از دیدگاه فقهی، فقهای شیعه در زمان غیبت امام زمان، نمایان عام و جانشینان وی در امور شرعی و استنباط و تبیین احکام فقهی اسلامی محسوب می‌شوند.

مراجع شیعه در طول تاریخ تشیع، نقش بارزی در امور دینی، فکری و سیاسی و اجتماعی جوامع خود داشته‌اند. مثال بارز آن فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی در زمان حکومت قاجار است که به الغای امتیاز تنباکو انجامید.

از مراجع مشهور کنونی افراد ذیل می باشند

بیات زنجانی • جناتی • جوادی آملی • سید کاظم حائری • خامنه‌ای • حسینی زنجانی • محمدسعید حکیم • دستغیب • روحانی • جعفر سبحانی • سیستانی • شاهرودی • شبیری زنجانی • سید صادق شیرازی • صافی گلپایگانی • صانعی • علوی گرگانی • غروی علیاری • محمداسحاق فیاض • محمدعلی گرامی • محمدآصف محسنی • محقق کابلی • مدرسی • مظاهری • مکارم شیرازی • مسلم ملکوتی • موسوی اردبیلی • بشیر نجفی • محمدحسین نجفی • نوری همدانی • وحید خراسانی

مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری مجلسی متشکل از فقیه‌های «واجد شرایط» است که بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تعیین و نظارت بر ولی فقیه (رهبر جمهوری اسلامی) را دارد. مدت هر دوره این مجلس که اعضای آن به وسیله انتخابات و توسط رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب می گردند، هشت سال می باشد.

مجلس خبرگان نیز در ماده ۱ و ۲ آیین‌نامه داخلی این نهاد، تعداد خبرگان را ۸۶ نفر اعلام کرده است.

ریاست این مجلس از زمان تأسیس در سال ۱۳۶۱ به عهده علی مشکینی بود، پس از مرگ وی در سال ۱۳۸۶ این پست به اکبر هاشمی رفسنجانی رسید و در سال ۱۳۸۹ محمدرضا مهدوی کنی جانشین وی شد.

تعیین حسینعلی منتظری به عنوان قائم مقام رهبری در سال ۱۳۶۴ و انتخاب سید علی خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ تصمیمات این مجلس در دوران فعالیت خود بوده‌است.

نخستین مجلس خبرگان رهبری در شرایطی تشکیل شد که کشور در حال جنگ با عراق بود. انتخابات این مجلس در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۱ برگزار شد که نزدیک ۱۸ میلیون نفر در آن شرکت کردند. در این دوره ۷۵ نفر از نمایندگان مجلس خبرگان تعیین شدند و انتخابات بقیه نمایندگان به دور دوم کشید.

نخستین مجلس خبرگان رهبری که در واقع دومین مجلس خبرگان (پس از مجلس خبرگان قانون اساسی) بود در ساعت ۹:۱۰ دقیقه ۲۴ مرداد ۱۳۶۲ تشکیل شد و پیام خمینی در آن خوانده شد.

پس از رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهاء واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسؤولیت های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل ۱۰۸ قانون اساسی:

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهاء اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان و صلاحیت خود آنان است.

اصل ۱۱۱ قانون اساسی:

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می باشد. در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند.

احکام روزه - قضای روزه

س : هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه رمضان برای انجام مأموریت دینی بر عهده ام می باشد، وظیفه من چیست؟ آیا قضای آنها بر من واجب است؟

ج: قضای روزه های ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است.

س : اگر کسی برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند، آیا کفاره بر او واجب است یا خیر؟

ج: کفاره بر او واجب نیست.

س : کسانی که در ماه رمضان برای انجام وظیفه دینی در مسافرت هستند و به همین دلیل نمی توانند روزه بگیرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخیر، بخواهند روزه بگیرند، آیا پرداخت کفاره بر آنها واجب است؟

ج: اگر قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر انداخته باشند، قضای روزه‌هایی که از آنان فوت شده کافی است، و واجب نیست برای هر روزی یک مدّ طعام فدیّه بدهند، هرچند احتیاط در جمع بین قضا و فدیّه است. ولی اگر تأخیر در قضای روزه به خاطر سهل‌گاری و بدون عذر باشد، جمع بین قضا و فدیّه بر آنها واجب است.

س: شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها گرفته است، ولی توانایی قضای همه روزه‌های فوت شده را ندارد و مالی هم ندارد که با آن کفّاره‌هایش را بپردازد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟

ج: قضای روزه‌های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی‌شود، ولی نسبت به کفّاره افطاره عمدی روزه ماه رمضان، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید: «استغفر الله» (از خداوند بخشایش می‌طلبم).»

س: من به علت عدم قدرت مالی و بدنی نتوانستم برای انجام کفّاره‌هایی که بر من واجب شده بود روزه بگیرم و یا به مساکین اطعام نمایم و در نتیجه، استغفار نمودم لکن به لطف الهی اکنون توان روزه گرفتن یا اطعام نمودن دارم، وظیفه‌ام چیست؟

ج: در فرض مرقوم، انجام کفّاره لازم نیست گرچه احتیاط مستحب آن است که انجام داده شود.

س : اگر شخصی بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایش را به تأخیر اندازد، چه حکمی دارد؟

ج: فدیة تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی‌شود.

س : فردی که به مدت صد و بیست روز روزه نگرفته، چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا باید برای هر روز شصت روز روزه بگیرد؟ و آیا کفّاره بر او واجب است؟

ج: قضای آنچه از ماه رمضان از او فوت شده، بر او واجب است، و اگر افطار عمدی و بدون عذر شرعی بوده، علاوه بر قضا، کفّاره هر روز هم واجب است که عبارت است از شصت روز روزه یا اطعام شصت فقیر و یا دادن شصت مد طعام به شصت مسکین که سهم هر کدام یک مدّ است.

س : تقریباً یک ماه روزه گرفته‌ام به این نیت که اگر روزه‌ای بر عهده‌ام باشد قضای آن محسوب شود و اگر روزه‌ای بر عهده‌ام نیست به قصد قربت مطلق باشد، آیا این یک ماه روزه به حساب روزه‌های قضایی که بر ذمه دارم، محسوب می‌شود؟

ج: اگر به نیت آنچه که در زمان روزه گرفتن شرعاً مأمور به آن بوده‌اید، اعم از روزه قضاء یا مستحبی، روزه گرفته‌اید و روزه قضا هم برعهده شما باشد، به عنوان روزه قضاء محسوب می‌شود.

س : کسی که نمی‌داند چه مقدار روزه قضا دارد و با فرض داشتن روزه قضا روزه مستحبی بگیرد، اگر معتقد باشد که روزه قضا ندارد، آیا به عنوان روزه قضا محسوب می‌شود؟

ج: روزه‌هایی را که به نیت استحباب گرفته به جای روزه قضایی که بر عهده‌اش هست، محسوب نمی‌شود.

س : نظر شریف جنابعالی درباره شخصی که بر اثر جهل به مسأله، عمداً روزه اش را افطار کرده، چیست؟ آیا فقط قضا بر او واجب است یا اینکه کفّاره هم باید بدهد؟

ج: اگر به سبب بی اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می کند. مثل اینکه نمی دانست خوردن دارو نیز مانند سایر خوردنیها روزه را باطل می کند و در روز ماه رمضان دارو خورد . روزه اش باطل است و باید آن را قضا کند ولی کفّاره بر او واجب نیست.

س : کسی که در اوائل سن تکلیف بر اثر ضعف و عدم توانایی، نتوانسته روزه بگیرد، آیا فقط قضا بر او واجب است یا قضا و کفّاره با هم بر او واجب است؟

ج: اگر گرفتن روزه برای او حرجی نبوده و عمداً افطار کرده، علاوه بر قضا، کفّاره نیز بر او واجب است و اگر خوف داشته باشد که اگر روزه بگیرد مریض شود، فقط قضای روزه ها بر عهده او می باشد.

س : کسی که تعداد روزهایی که روزه نگرفته و مقدار نمازهایی را که نخوانده نمی داند، وظیفه اش چیست؟ کسی هم که نمی داند روزه اش را بر اثر عذر شرعی افطار کرده و یا عمداً آن را خورده است، چه حکمی دارد؟

ج: جایز است که به قضای آن مقدار از نماز و روزه هایش که یقین به فوت آنها دارد، اکتفا نماید، و در صورت شک در افطار عمدی کفّاره واجب نیست.

س : اگر شخصی که در ماه رمضان روزه دار است، در یکی از روزها برای خوردن سحری بیدار نشود و لذا نتواند روزه را تا غروب ادامه دهد و در وسط روز حادثه ای برای او اتفاق بیفتد و روزه را افطار کند، آیا یک کفّاره بر او واجب است یا کفّاره جمع؟

ج: اگر روزه را تا حدی ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگی و گرسنگی برای او حرجی شود و در نتیجه آن را افطار نماید، فقط قضا بر او واجب است و کفاره‌ای ندارد.

س: اگر شک کنم در اینکه اقدام به گرفتن قضای روزه‌هایی را که بر عهده‌ام بوده، کرده‌ام یا خیر تکلیف من چیست؟

ج: اگر یقین به اشتغال قبلی ذمه خود دارید، واجب است به مقداری که موجب یقین به انجام تکلیف می‌شود، روزه قضا بگیرید.

س: کسی که هنگام بلوغ فقط یازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته و یک روز را هم در موقع ظهر افطار کرده و در مجموع هجده روز روزه نگرفته است، و در مورد آن هجده روز نمی‌داند که با ترک عمدی روزه کفاره بر او واجب است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر روزه ماه رمضان را از روی عمد و بدون عذر شرعی افطار کرده، باید علاوه بر قضا، کفاره هم بدهد اعم از اینکه هنگام خوردن روزه عالم به وجوب کفاره و یا جاهل به آن باشد.

س: اگر پزشک به بیماری بگوید که روزه برای شما ضرر داد و او هم روزه نگیرد، ولی بعد از چند سال بفهمد که روزه برای وی ضرر نداشته و پزشک در تشخیص خود اشتباه کرده است، آیا قضا و کفاره بر او واجب است؟

ج: اگر از گفته پزشک متخصص و امین و یا از منشأ عقلایی دیگر، خوف از ضرر پیدا کند و روزه نگیرد، فقط قضا بر او واجب است.

احکام روزه - احکام مبطلات روزه

س : آیا تبعیت از اهل سنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومی و مجالس رسمی و غیر آن، جایز است؟ اگر مکلف تشخیص دهد که این متابعت از موارد تقیه نیست و دلیلی برای التزام به آن وجود ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

ج: تبعیت از دیگران در افطار روزه بدون احراز دخول وقت افطار، جایز نیست، و اگر از موارد تقیه باشد افطار جایز است، ولی روزه آن روز قضا دارد، و جایز نیست به‌طور اختیاری افطار نماید مگر بعد از آنکه داخل شدن شب و پایان یافتن روز را با یقین حسی و یا با حجت شرعی احراز نماید.

س : اگر روزه‌دار باشم و مادرم مرا وادار به خوردن غذا یا نوشیدن کند، آیا روزه‌ام باطل می‌شود؟

ج: خوردن و آشامیدن روزه را باطل می‌کند، هرچند بر اثر درخواست و اصرار شخص دیگری باشد.

س : اگر چیزی به زور وارد دهان روزه دار شود و یا سر او به همان صورت داخل آب گردد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ اگر وادار به باطل کردن روزه‌اش شود، مثلاً به او بگویند که اگر روزه‌ات را نخوری، ضرری به خودت یا مالت وارد می‌سازیم، او هم برای دفع این ضرر غذا بخورد، آیا روزه‌اش صحیح است؟

ج: روزه شخص روزه دار با داخل شدن چیزی در حلقش بدون اختیار و یا با فرو بردن سرش به همان صورت به زیر آب باطل نمی‌شود، ولی اگر خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود، روزه‌اش باطل خواهد شد.

س : اگر روزه دار جاهل باشد به اینکه تا به حد ترخص نرسیده، نباید قبل از زوال افطار کند، و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است، افطار نماید، روزه این شخص چه حکمی دارد؟ آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟

ج: در فرض مرقوم، روزه اش باطل است و باید آن را قضا کند لکن اگر از حکم مسأله، غافل بوده کفاره ندارد.

س : هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم، مقداری از اخلاط سر و سینه در دهانم جمع شده بود که به جای بیرون انداختن، آن را فرو بردم، آیا روزه ام صحیح است یا خیر؟ در بعضی از روزهای ماه مبارک رمضان در منزل یکی از اقوام بودم که بر اثر زکام و خجالت و حیا مجبور شدم با خاک، تیمم بدل از غسل واجب بکنم و تا نزدیک ظهر غسل نکردم. این کار برای چند روز تکرار شد، آیا روزه ام در آن روزها صحیح است یا خیر؟

ج: فرو بردن اخلاط سر و سینه ضرری به روزه نمی رساند، ولی اگر به فضای دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید از فرو بردن آن خودداری نماید، و اما ترک غسل جنابت قبل از طلوع فجر روزی که می خواهید روزه بگیرید و انجام تیمم بدل از غسل به جای آن، اگر به خاطر عذر شرعی باشد و یا تیمم در آخر وقت و به خاطر تنگی آن باشد، موجب بطلان روزه نیست و روزه شما با تیمم صحیح است. در غیر این صورت، روزه شما در آن روزها باطل است.

س : من در معدن آهن کار می کنم که طبیعت آن اقتضا می کند هر روز داخل معدن شده و در آن کار کنم و هنگام استفاده از ابزار کار غبار وارد دهانم می شود، بقیه ماههای سال هم به همین صورت بر من می گذرد، تکلیف من چیست؟ آیا روزه من در این حالت صحیح است؟

ج: فرو بردن غبار غلیظ هنگام روزه بنا بر احتیاط واجب موجب باطل شدن آن است و باید از آن پرهیز نمود، ولی مجرد داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون اینکه به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند.

احکام روزه - مبطلات روزه

س: من در روز ماه رمضان به علّت اغوای شیطان تصمیم گرفتم روزه‌ام را باطل کنم لکن قبل از این که عملی که روزه را باطل می‌کند انجام دهم، از تصمیم خود منصرف شدم حکم روزه‌ام چیست؟ و اگر این امر در روزه غیر ماه رمضان پیش آید چه حکمی دارد؟

در روزه ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن بر گردد به‌طوری که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره او برای ادامه روزه فایده ندارد، البته تا اذان مغرب باید از کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری کند. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در این دو صورت صحّت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزه واجب معین دیگر. مانند نذر معین و امثال آن. نیز دارای همین حکم است.

س: آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: روزه به سبب آن باطل نمی‌شود، ولی واجب است که از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

س: حکم استعمال دخانیات مانند سیگار در حال روزه چیست؟

ج: احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از دودهای انواع دخانیات و نیز مواد مخدّری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.

س: آیا ماده «ناس» که از توتون و غیر آن ساخته می‌شود و برای چند دقیقه زیر زبان گذاشته شده و سپس از دهان بیرون انداخته می‌شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج: اگر آب دهان مخلوط به ماده «ناس» را فرو ببرد، موجب بطلان روزه‌اش می‌شود.

س: نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد که عبارت است از یک قوطی که در آن مایع فشرده شده وجود دارد و با فشار دادن آن داروی مایع بصورت پودر گاز از طریق دهان وارد ریه شخص بیمار شده و موجب تسکین حال وی می‌گردد. گاهی بیمار مجبور می‌شود در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا با وجود استفاده از این دارو، روزه گرفتن جایز است؟ با توجه به اینکه بدون استفاده از آن روزه گرفتن غیرممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

ج: اگر ماده مذکور هوای فشرده همراه با دارویی هرچند به صورت گاز یا پودر باشد و وارد حلق شود، صحّت روزه محل اشکال است و در صورتی که روزه گرفتن بدون استعمال آن، ممکن نیست یا مشقّت دارد، جایز است از آن استفاده کند، لکن احتیاط آن است که مبطل دیگری انجام ندهد و در صورت تمکّن (بدون استفاده از آن) روزه‌ها را قضا نماید.

س: من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لثه‌هایم می‌آید مخلوط می‌شود و گاهی نمی‌دانم آب دهانی که فرو می‌برم همراه با خون است یا خیر؟ روزه‌ام با این حال چه حکمی دارد؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمایید.

ج: اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نمی زند.

س: در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم ولی دندان هام را مسواک نزد، و بدون اینکه باقی مانده غذاهای لابلائی دندانها را عمداً ببلعم، خود بخود بلعیده شده است. آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است؟

ج: اگر علم به وجود باقی مانده غذا در بین دندانهایتان و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته‌اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده، قضای روزه بر شما واجب نیست.

س: از لثه شخص روزه داری خون زیادی خارج می شود، آیا روزه اش باطل می شود؟ آیا برای او ریختن آب با ظرف بر سرش جایز است؟

ج: با خروج خون از لثه تا آن را فرو نبرده است، روزه باطل نمی شود. همچنین ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی رساند.

س: داروهای مخصوصی برای معالجه بعضی از بیماری های زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می شود، آیا استفاده از آن موجب بطلان روزه می شود؟

ج: استفاده از آن داروها به روزه ضرر نمی رساند.

س: نظر شریف جنابعالی درباره تزریق آمپول و سایر تزریقات نسبت به روزه داران در ماه مبارک رمضان، چیست؟

س: آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است یا خیر؟

ج: اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه باطل می‌شود.

س: اگر من و بعضی از مردم بر این عقیده باشیم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا عنوان خوردن و آشامیدن صدق نمی‌کند، آیا عمل به آن جایز است و به روزهام ضرر نمی‌زند؟

ج: خوردن قرص روزه را باطل می‌کند.

س: اگر شوهر با همسر خود در ماه رمضان جماع نماید و زن نیز به آن راضی باشد چه حکمی دارد؟

ج: بر هر یک از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دو واجب است.

س: اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملاحظه نماید، آیا به روزه‌اش ضرر می‌رساند؟

ج: اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی‌کند.

مبطلات و احکام نماز

www.e-soal.ir

احکام نماز - مبطلات نماز

س: آیا نماز با ذکر شهادت به ولایت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در تشهد، باطل می شود؟

ج: نماز و از جمله تشهد را همان طور که مراجع عظام شیعه (کثر الله امثالهم) در رساله های عملیه بیان نموده اند بخوانید و چیزی بر آن اضافه نکنید هرچند که کلام حق و صحیحی باشد.

س: شخصی در عبادات خود مبتلا به ریا است و در حال حاضر با نفس خود مبارزه می کند، آیا این عمل وی نیز ریا محسوب می شود؟ چگونه می توان از ریا دوری کرد؟

ج: هر عملی که برای خدا انجام گیرد از جمله مبارزه با ریا، ریا محسوب نمی شود و برای رهایی از ریا باید در عظمت خداوند متعال و ضعف و احتیاج دیگران به خداوند تفکر نماید و همچنین در بندگی خود و دیگر مردم برای خداوند تبارک و تعالی اندیشه کند.

س: هنگام شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت، بعد از قرائت سوره حمد توسط امام جماعت، کلمه «آمین» با صدای بلند و به صورت دسته جمعی گفته می شود، این کار چه حکمی دارد؟

ج: اگر مقتضای تقیه، گفتن آمین باشد، اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

س: گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می شویم که در حال انجام کار خطرناکی است، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودک یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ اگر هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او تکان دهیم، آن نماز چه حکمی دارد؟

احکام نماز - شکایات نماز

س: کسی که در رکعت سوم نماز شک کند که قنوت را بجا آورده یا خیر، چه حکمی دارد، آیا نمازش را تمام کند و یا از هنگام شک آن را قطع نماید؟

ج: به شک مذکور اعتنا نمی شود و نماز صحیح است، و در این مورد چیزی بر مکلف واجب نیست.

س: آیا در نماز نافله به شک در غیر از رکعت های آن مثل شک در این که یک سجده انجام داده یا دو سجده، اعتنا می شود؟

ج: شک در اقوال و افعال نماز نافله همان حکم شک در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد، یعنی اگر از محل آن تجاوز نکرده است، به آن اعتنا نمی‌شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است، به آن اعتنا نمی‌شود.

س: با توجه به این که کثیر الشک نباید به شک خود اعتنا کند، اگر برای او در نماز شکی پیش آمد، وظیفه‌اش چیست؟

باید بنا بر انجام کاری بگذارد که در آن شک کرده است، مگر آنکه انجام آن موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنا بر عدم انجام آن می‌گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعتها و افعال و اقوال نماز باشد.

س: اگر شخصی بعد از چند سال متوجه بطلان عبادت‌هایش شود و یا در آن شک کند، وظیفه‌اش چیست؟

ج: به شک بعد از عمل اعتنا نمی‌شود، و در صورت علم به بطلان، واجب است عبادت‌های قابل تدارک را قضاء نماید.

س: اگر شخصی سهواً بعضی از اجزاء نماز را به جای بعضی دیگر انجام دهد و یا در هنگام نماز نگاهش به جایی بیفتد یا سهواً حرف بزند، آیا نماز او باطل است؟ وظیفه او چیست؟

ج: عمل سهوی در نماز موجب بطلان آن نمی‌شود، لیکن در بعضی از موارد باعث وجوب سجده سهو می‌گردد، مگر آنکه رکنی از نماز را کم یا زیاد کند که موجب بطلان نماز می‌شود.

س: اگر فردی یک رکعت از نماز را فراموش کند و در رکعت آخر یادش بیاید، مثلاً فکر می‌کرد که رکعت اول نمازش رکعت دوم است، لذا رکعت سوم و چهارم را هم بجا آورد، و در رکعت آخر متوجه شد که در رکعت سوم است، وظیفه او چیست؟

واجب است هر رکعتی را که بجا نیاورده، قبل از سلام نماز بجا آورد و سپس سلام دهد و در این صورت که تشهد واجب نماز را در محل خود انجام نداده، باید بنا بر احتیاط قضای آن را انجام داده و دو سجده سهو برای آن بجا آورد.

س: برای مکلف دانستن تعداد رکعت‌های نماز احتیاط، که یک رکعت است یا دو رکعت، چگونه ممکن است؟

ج: تعداد رکعت‌های نماز احتیاط به مقدار کمبود احتمالی در نماز است. بنا بر این در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است؛ و در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته، واجب است.

س: اگر کلمه‌ای از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعا‌های قنوت، سهواً غلط خوانده شود، آیا سجده سهو واجب می‌شود؟

ج: واجب نیست.

اگر بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، موجب خروج از هیأت نماز نشود، اشکال ندارد. مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد، و حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر مختصر و به نحوی باشد که با استقرار و آرامش و یا هیأت نماز منافات نداشته باشد، موجب بطلان نماز نمی‌گردد.

س: آیا اگر کسی هنگام نماز به خاطر یادآوری حرف خنده‌دار یا پیدایش حالت خنده‌آوری بخندد، نمازش باطل می‌شود یا خیر؟

اگر خنده با صدا (یعنی فقههه) و عمدی باشد، نماز باطل است.

س: آیا مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز، موجب بطلان آن می‌گردد، و در صورتی که نماز را باطل کند، آیا معصیت و گناه محسوب می‌شود؟

ج: کراهت دارد ولی نماز را باطل نمی‌کند.

ن: آیا بستن چشمها در نماز به این دلیل که باز بودن آنها فکر انسان را از نماز باز می‌دارد، جایز است؟

ج: بستن چشمها در نماز مانع شرعی ندارد، گر چه مکروه می‌باشد.

س: من گاهی در هنگام نماز به یاد حالت‌های ایمانی و معنوی که در دوران جنگ با نظام کافر بعثی داشتم می‌افتم که باعث افزایش حالت خشوع من می‌شود، آیا این کار نماز را باطل می‌کند؟

ج: به صحت نماز ضرر نمی‌زند.

س: آیا ادامه قهر و دشمنی بین دو نفر، تا مدت سه روز موجب بطلان نماز و روزه آنها می‌گردد؟

ج: وقوع دشمنی و قهر بین دو نفر، نماز و روزه را باطل نمی‌کند، گرچه این عمل شرعاً مذموم است.

احکام نماز - ذکر نماز

س: آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجده به جای یکدیگر اشکال دارد؟

ج: اگر آنها را به قصد مطلق ذکر خداوند عزوجل بگوید، اشکال ندارد و رکوع و سجده و نماز همگی صحیح هستند.

س: اگر شخصی سهواً در سجده ذکر رکوع را بگوید و یا بر عکس، در رکوع ذکر سجده را بگوید و در همان حال متوجه اشتباه خود شده و آن را اصلاح نماید، آیا نماز او باطل است؟

ج: اشکال ندارد و نمازش صحیح است.

س: اگر نماز گزار در هنگام نماز و یا بعد از فراغت از آن متوجه شود که ذکر رکوع یا سجده را اشتباه گفته است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر بعد از رکوع و سجود متوجه شود، چیزی بر او واجب نیست.

س: آیا یک بار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است؟

ج: کافی است، هرچند احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود.

س: تعداد تسبیحات اربعه در نماز سه مرتبه است، ولی فردی سهواً چهار بار گفته است، آیا نماز او در پیشگاه خداوند مقبول است؟

ج: اشکال ندارد.

س: کسی که نمی‌داند تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه گفته یا بیشتر و یا کمتر، چه حکمی دارد؟

ج: یک مرتبه نیز کفایت می‌کند و چیزی بر او واجب نیست، و تا به رکوع نرفته می‌تواند بنا را بر اقل گذاشته و تسبیحات را تکرار نماید تا یقین کند که آن را سه مرتبه گفته است.

س: آیا قرائت «بحول لله و قوته اقوم واقعد» هنگام نماز در حال حرکت جایز است و آیا گفتن آن در حال قیام صحیح است؟

ج: اشکال ندارد و اصولاً این ذکر در حالت قیام برای رکعت بعدی گفته می‌شود.

س: مراد از ذکر چیست؟ آیا شامل صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خاندان آن حضرت می‌شود؟

ج: هر عبارتی که متضمن ذکر خداوند عزوجل باشد، ذکر محسوب می شود و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم افضل صلوات الله) از بهترین ذکرهاست.

س: هنگامی که در نماز وتر که یک رکعت است دستها را برای قنوت بلند کرده و حاجات خود را از خداوند عزوجل طلب می کنیم، آیا طلب حاجات به زبان فارسی اشکال دارد؟

ج: دعا در قنوت به زبان فارسی اشکال ندارد، بلکه هر دعایی را در قنوت می توان به هر زبانی خواند.

اختلاف نظر بین ولایت فقیه و مرجع تقلید

یکی از مواردی که اغلب جز به سولات مصاحبه استخدامی می باشد، تکلیف فرد در مواردی است که بین مرجع تقلید وی و ولایت فقیه اختلاف نظر وجود دارد، مثلا در مورد موسیقی زنان،

پاسخ این سوال و چند سوال مشابه بر اساس استفتائات آیت الله خامنه ای

س: در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمانان چیست؟ آیا معیاری برای تفکیک احکام صادره از طرف مراجع تقلید و ولی فقیه وجود دارد؟ مثلاً اگر نظر مرجع تقلید با نظر ولی فقیه در مسأله موسیقی اختلاف داشته باشد، متابعت از کدامیک از آنان واجب و مجزی است؟ به طور کلی احکام حکومتی که در آن نظر ولی فقیه بر فتوای مراجع تقلید برتری دارد، کدام است؟

ج: در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

س: همان گونه که مطلع هستید در اصول فقه از مسأله‌ای تحت عنوان «اجتهاد متجزی» بحث می‌شود، آیا اقدام امام خمینی (قدس سره) در تفکیک مرجعیت و رهبری، گامی در تحقق تجزی در اجتهاد محسوب نمی‌شود؟

ج: تفکیک بین رهبری ولی فقیه و مرجعیت تقلید، ربطی به مسأله تجزی در اجتهاد ندارد.

س : اگر مقلد یکی از مراجع باشم و در این حال ولی امر مسلمین اعلان جنگ یا جهاد بر ضد کفار ظالم نماید و مرجع تقلید من اجازه شرکت در جنگ را ندهد، آیا ملزم به رعایت نظر وی هستم؟

ج: در مسائل عمومی جامعه اسلامی که یکی از آنها دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز است، اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب است.

س : حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان تا چه حد قابل اجرا می باشد؟ و در صورت تعارض با رأی مرجع تقلید اعلم، کدامیک مقدم است؟

ج: اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است و فتوای مرجع تقلید نمی تواند با آن معارضه کند.

شورای نگهبان

شورای نگهبان قانون اساسی از نهادهای نظارتی نظام جمهوری اسلامی ایران است که از دوازده عضو تشکیل شده است. شش عضو از این دوازده تن فقهای هستند که با حکم رهبر عزل و نصب

می‌شوند و شش عضو دیگر حقوق‌دانانی هستند که با معرفی رئیس قوه قضاییه و اعلام نظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شوند.

تمامی قوانین مجلس شورای اسلامی و صلاحیت نامزدهای تمامی انتخابات سراسری کشور به استثنای انتخابات شوراهای شهر و روستا باید به تایید این شورا برسند.

نخستین وظیفه شورای نگهبان، نظارت بر تدوین قوانین در مجلس شورای اسلامی است. این شورا وظیفه دارد که هر قانون تصویب شده در مجلس را با قانون اساسی و قوانین شرعی اسلام مطابقت دهد که در صورت مطابقت داشتن، لایحه یا طرح مجلس را تایید می‌کند. در صورت عدم مطابقت، آن لایحه یا طرح به مجلس برگردانده می‌شود تا مجلس اصلاحات مورد نظر شورای نگهبان را بررسی کند. در صورت پافشاری مجلس بر نظر خود، طرح یا لایحه مورد نظر به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده می‌شود.

www.e-soal.ir

دومین وظیفه شورا نظارت بر کلیه انتخابات کشور است. شورای نگهبان موظف است صلاحیت همه نامزدهایی که جهت شرکت در هر انتخابات به جز انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در وزارت کشور ثبت نام می کنند را بررسی نموده و پس از آن اجازه شرکت در انتخابات را به آن کاندیدا بدهد.

اعضای حال حاضر شورای نگهبان

فقها

۱- احمد جنتی (دبیر شورای نگهبان)

۲- محمد مومن

۳- غلامرضا رضوانی

۴- صادق لاریجانی - < هاشمی شاهرودی

۵- محمد حسن قدیری - < محمد رضا مدرس یزدی

۶- محمد یزدی



حقوقدانان

دانلود سوالات استخدامی
۱- غلامحسین الهام
تازه ترین اخبار استخدامی کشور

۲- محمد رضا علیزاده

www.e-soal.ir

۳- محسن اسماعیلی

۴- ابراهیم عزیزی

۵- عباسعلی کدخدایی (سخنگو)

۶- عباس کعبی

احکام و دستورات نماز جمعه، نماز آیات و...

نماز آیات

نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می شود :

اول: گرفتن خورشید .

دوم: گرفتن ماه، اگر چه کمی از آن ها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد .

سوم: زلزله، اگر چه کسی هم نترسد .

چهارم: رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند این ها، در صورتی که بیشتر مردم بترسند .

دستور نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت، پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند و به رکوع رود، تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم، دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد .

در نماز آیات، ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیش تر از آن را بخواند و به رکوع رود و برخیزد و بدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم، سوره را تمام نماید و بعد از آن به رکوع رود و دو سجده کند و رکعت دوم را به همین دستور انجام دهد و نماز را تمام نماید .

نماز مسافر

کسی که مسافر است با شش شرط باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند :

1- سفر او کم تر از هشت فرسخ نباشد یا بخواهد چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد .

2- از اول مسافرت، قصد هشت فرسخ را داشته باشد .

3- در بین راه از قصد خود برنگردد .

4- سفرش سفر معصیت نباشد .

5- شغل او مسافرت نباشد، پس کسی که شغل او مسافرت است (مانند راننده) باید نمازش را تمام

بخواند، مگر آن که ده روز در منزل خود بماند که در این صورت، تا سه مرتبه که مسافرت کند باید نمازش را شکسته بخواند .

6- به حد ترخص برسد، یعنی از وطنش یا جایی که قصد کرده ده روز در آن جا بماند، به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن جا را نشنود .

نماز جماعت

مستحب است که مسلمانان، نمازهای یومیه را به حالت اجتماع بخوانند و ثواب نماز جماعت چندین هزار برابر نمازی است که به تنهایی و فرادا خوانده شود .

شرایط نماز جماعت

1- امام جماعت باید مکلف و مومن و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و اگر ماموم مرد است امام او هم باید مرد باشد .

2- باید بین امام و ماموم، پرده یا چیز دیگری نباشد که مانع از دیدن امام شود ولی اگر ماموم زن باشد، بودن پرده و مانند آن اشکال ندارد .

3- جای امام، بلندتر از جای ماموم نباشد ولی اگر مقدار خیلی کمی (به قدر چهار انگشت یا کم تر) بلندتر باشد اشکال ندارد .

4- ماموم باید عقب تر از امام یا مساوی او بایستد .

احکام نماز جماعت

1- ماموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را هم بخواند و اگر به واسطه خواندن سوره، به رکوع امام نمی رسد باید فقط حمد را بخواند و خود را در رکوع به امام برساند و اگر نرسید باید به قصد فردا، نماز را تمام کند .

2- ماموم باید رکوع و سجود و کارهای دیگر نماز را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد ولی تکبیرة الاحرام و سلام نماز را حتما باید بعد از امام بگوید .

3- اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد نمازش صحیح است و یک رکعت حساب می شود .

احکام جعالة

1. عقد «جُعالة» یعنی انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می دهند مال معینی بدهد، مثلاً بگوید: «هرکس گمشده مرا پیدا کند، ده تومان به او می دهم.»

2. به کسی که این قرار را می گذارد «جاعل» و به کسی که کار را انجام می دهد «عامل» می گویند و فرق بین جعالة و اجیر نمودن شخص، این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه، اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی که او را اجیر کرده، اجرت را بدهکار می شود، ولی در جعالة، عامل می تواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام ندهد، جاعل بدهکار نمی گردد.

3. جاعل باید بالغ و عاقل باشد، از روی قصد و اختیار، قرارداد ببندد و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید، بنابراین جعالة آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند صحیح نیست.

4. کاری را که جاعل می گوید برای او انجام دهند، باید حرام یا بی فایده نباشد، پس اگر بگوید هرکس شراب بخورد، یا در شب به جای تاریکی برود، ده تومان به او می دهم، جعالة صحیح نیست.

5. اگر مالی را که قرار می‌گذارد بدهد معین کند، مثلاً بگوید هرکه اسب مرا پیدا کند، این گندم را به او می‌دهم، لازم نیست بگوید آن گندم مال کجاست و قیمت آن چیست، ولی اگر مال را معین نکند، مثلاً بگوید: کسی که اسب مرا پیدا کند ده من گندم به او می‌دهم، باید خصوصیات آن را معین نماید.

6. اگر جاعل، مزد معینی برای کار قرار ندهد، مثلاً بگوید: هر که بچه مرا پیدا کند، پولی به او می‌دهم و مقدار آن را معین نکند، چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد، باید مزد او را، به مقداری که کار او در نظر اهل خبره ارزش دارد، بدهد.

7. اگر عامل پیش از قرارداد، کار را انجام داده باشد، یا بعد از قرارداد، به قصد اینکه پول نگیرد انجام دهد، نسبت به مزد حقّی ندارد.

8. پیش از شروع عامل به کار، جاعل و عامل، می‌توانند جعاله را برهم بزنند

نماز جماعت

نماز جماعت

در نماز جماعت لازم نیست نماز او با نماز امام یکی باشد، مثلاً می تواند نماز ظهر خود را به نماز عصر امام اقتدا کند

بالا تر بودن مکان مأموم از جای ایستادن امام اشکالی ندارد

مأموم حق ندارد تکبیرة الاحرام را قبل یا همراه امام بگوید، بلکه باید صبر کند تا تکبیر امام تمام شود و سپس تکبیر بگوید

مأموم باید کارهای نماز، مانند رفتن به رکوع یا سجده، یا سر از رکوع و سجده برداشتن، یا برخاستن را، همراه امام و بهتر است کمی بعد از او انجام دهد، و اگر عمداً از امام جلوتر انجام دهد، معصیت کرده است ولی نمازش باطل نیست

اگر مأموم اشتباهاً قبل از امام سر از رکوع یا سجده بردارد و ببیند امام هنوز در رکوع یا سجده است، اگر فرصت هست، باید فوراً به رکوع و سجده رفته و با امام سر بردارد، و در این مورد زیاد شدن رکوع و سجده اشکالی ندارد. و نیز اگر سهواً قبل از امام به رکوع یا سجده رود، باید سر برداشته و با امام همراه شود، ولی در هر دو صورت اگر این وظیفه را انجام نداد، نمازش باطل نمی شود.

باید بین جای سجده ی مأموم و جای ایستادن امام و نیز فاصله ی جای سجده صف دوم تا پای مأومین صف اول و نیز بقیه ی صف ها نسبت به صف جلوتر، کمتر از یک انسان در حال سجده (که تقریباً چهار وجب معمولی می شود) باشد

اگر مأموم از یکی از سه طرف جلو یا راست یا چپ ، بی واسطه یا با واسطه به امام متصل باشد ، کفایت میکند

انسان میتواند در بین نماز جماعت قصد فردی کند و بقیه ی نماز را به تنهایی تمام کند

همه چیز درباره نماز

واجبات نماز یعنی کارهایی که باید در نماز انجام شود. واجبات نماز ۱۱ مورد هستند که این واجبات به دو نوع رکن و غیر رکن تقسیم می شوند. واجباتی که رکن هستند، کم یا زیاد کردن آنها چه به عمد و چه سهوا نماز را باطل می کند. واجبات رکن در نماز ۵ مورد بوده و شامل: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام (قیام در هنگام تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع)، رکوع و سجود می باشد. واجبات نماز از این قرارند:

نیت: به معنی قصد قلبی است و نیازی نیست به زبان آورده شود؛ بلکه به این معنی است که نمازگزار با هوشیاری و قصد نماز را می خواند. لازم به ذکر است که نیت در نماز بسیار مهم است و اگر مثلا کسی نماز را برای غیر خدا بخواند مانند این است که اصلا نماز نخوانده است؛ در عبادت‌های دیگر شاید اینقدر سخت‌گیری در مورد نیت نباشد.

تکبیره الاحرام : یعنی گفتن لله اکبر در اول نماز؛ و در این هنگام معمولاً دست‌ها را تا مقابل گوشها بالا می‌برند.

قیام: به معنی ایستادن است؛ کسی که نمی‌تواند بایستد، می‌تواند نشسته و یا خوابیده نماز بخواند.

قرائت: در ابتدای رکعت خواندن سوره فاتحه واجب است. در دو رکعت اول نمازهای ظهر، عصر، مغرب و عشا همچنین واجب است که سوره ی دیگری پس از فاتحه خوانده شود. اهل سنت خواندن بخشی از یک سوره را هم کافی می‌دانند.

رکوع : به معنی خم شدن نمازگزار است، تا این که دستها به زانو برسند. مسلمانان معمولاً در هنگام رکوع اذکاری را می‌گویند مانند سبحان لله یا سبحان ربی العظیم وبحمده

سجده : در این زمان، نمازگزار پیشانی، کف دست‌ها و سر انگشتان پاها را بر زمین می‌گذارد؛ در زمان سجده نیز اذکاری چون سبحان لله یا سبحان ربی الأعلی و بحمده گفته می‌شود.

ذکرهای سجده و رکوع

تشهد: به معنی گواهی دادن بر یکتا بودن خدا و پیامبری محمد(ص) است. این کار در رکعت‌های زوج و در رکعت پایانی، بعد از سجده انجام می‌شود. البته اشتباه نشود: در رکعت آخر نمازهای دورکعتی و چهاررکعتی، فقط یک تشهد خوانده می‌شود.

سلام: یعنی درود فرستادن بر پیامبر و خانواده‌اش و بر خود و بر سایر بندگان شایسته خدا، در پایان نماز.

ترتیب: یعنی این که که کارهای نماز به ترتیب خودش انجام شود و مثلاً سلام نماز در ابتدای نماز گفته نشود.

موالات: یعنی پی‌درپی بودن اجزای نماز؛ بین کارهای نماز نباید خیلی فاصله شود (معمولاً حداکثر چند ثانیه)

مستحبات نماز

بعد از رکوع، مستحب است نمازگزار بگوید: «الله اکبر» و «سمع الله لمن حمده»

بعد از سجده، مستحب است نمازگزار بگوید: «الله اکبر» و «استغفر الله ربی و اتوب الیه»

در هنگام برخاستن از زمین، مستحب است نمازگزار بگوید: «بحول الله و قوته اقوم و اقعده»

نماز های واجب

علاوه بر نماز های یومیه نماز های زیر نیز از نماز های واجب به حساب می آیند

نماز طواف که پس از هفت دور چرخیدن به دور کعبه ، یک نماز دورکعتی به نام نماز طواف خوانده می شود.

نماز میت، نماز قضای پدر و مادر، نماز نافلة که بکه واسطه نذر و قسم و... واجب میگردد

برای مردان اهل سنت نماز جمعه و عید نیز از نماز های واجب میباشد

نماز آیات در مواقع زمین لرزه، کسوف و خسوف حتی جزئی و رعد و برق مهیب برای شیعه واجب و برای اهل سنت مستحب می‌گردد

نماز جمعه در زمان غیبت کبری واجب تخیری است، یعنی مخیر است از بین نماز جمعه و ظهر یکی را انتخاب کند

برخی از مواردی که نماز را باطل می‌کنند عبارتند از:

از بین رفتن هر کدام از شرایط نماز و نمازگزار

باطل شدن وضو

گفتن آمین بعد از حمد

سخن گفتن با دیگران

خندیدن و گریه کردن

خوردن و نوشیدن

انحراف از جهت قبله

کم یا زیاد کردن ارکان نماز

نماز عیدین در هنگام حضور امام واجب است

نماز جماعت نیز برای اهل شیعه مستحب مؤکد است

نماز مسافر شکسته است، یعنی مسافر باید نماز چهار رکعتی را دو رکعت بخواند

نمازهای مستحب

نمازهای مستحبی نمازهایی هستند که مسلمانان برای کسب ثواب بیشتر و نزدیک تر شدن به خداوند و دوری از شیطان بجا می آورند. برخی از این نمازها مخصوص شیعیان است. نمازهای مستحبی به صورت دورکعت، دورکعت خوانده می شوند.

نمازهای نافله

نمازهای نافله از نمازهای مستحبی هستند که به آن ها نوافل هم گفته می شود. از مهمترین نمازهای مستحبی، نافله های شبانه روزی هستند که به آن ها نوافل یومیه می گویند، نافله صبح (دو رکعت)، نافله ظهر (هشت رکعت)، نافله عصر (هشت رکعت)، نافله مغرب (چهار رکعت)، نافله عشاء (دو رکعت) و نافله شب (یازده رکعت). از آنجایی که دو رکعت نافله عشاء، یک رکعت محسوب می شود در مجموع نافله های شبانه روزی ۳۴ رکعت می شوند. در روزهای جمعه چهار رکعت به نافله های ظهر و عصر اضافه می شود و در جمع ۳۸ رکعت می شود. نافله های شبانه روزی به صورت نمازهای دورکعتی خوانده می شوند.

از میان نافله های شبانه روزی، نافله شب یا نماز شب نزد مسلمانان از اهمیت بیشتری برخوردار است و در روایت ها بر انجام آن تاکید شده است. از یازده رکعت نافله شب، ۸ رکعت به نیت نافله شب، ۲ رکعت آن به نیت نافله شفع و ۱ رکعت به نیت نافله وتر بجا آورده می شود.

نماز جعفر طیار نیز از نمازهای مستحبی است که می توان آن را از نافله های شب یا روز حساب کرد. بافضیلت ترین زمان برای خواندن این نماز روز جمعه هنگام برآمدن آفتاب ذکر شده است. این نماز چهار رکعتی است و دو سلام دارد. نماز غفیله

نماز غفیله از دیگر نمازهای مستحبی است که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود. فرصت خواندن این نماز، از نماز مغرب تا زمانی است که سرخی مغرب از بین برود. این نماز دو رکعتی می باشد و دستور مخصوص خود را دارد

نماز تحیت مسجد

تَحِیَّت به معنای سلام است و نماز تحیت مسجد نمازی دورکعتی است که هنگام ورود به مسجد و به قصد تحیت و احترام مسجد خوانده می شود. اگر یک نماز دورکعتی واجب (مثلا نماز صبح) را هم بخواند کافی است، یعنی در این صورت این نماز هم نماز صبح و هم نماز تحیت مسجد محسوب می شود.

نماز ایام هفته

از دیگر نمازهای مستحبی است که بر طبق روایات و بر اساس دستور گفته شده در طول ایام هفته خوانده می شود. در واقع هر روز هفته دو نماز مخصوص به خود دارد که البته یک نماز برای شب آن روز و یک نماز برای همان روز می باشد.

نماز عید غدیر

یکی دیگر از نمازهای مستحبی است که در روز عید غدیر خوانده می شود. این نماز دو رکعتی است و بهتر است نزدیک ظهر خوانده شود.

نماز وحشت

یا نماز شب اول قبر، از نمازهای مستحبی است که دو رکعت دارد و در شب اول قبر برای میت خوانده می شود.

نماز اموات

از دیگر نمازهای مستحبی است که برای درگذشتگان خوانده می شود. این نماز دو رکعتی می باشد.

نماز زیارت معصومین

به نمازهای مستحبی گفته می شود که به نیت زیارت معصومین خوانده می شود و هر کدام آداب خاص خود را دارد.

نماز چهارده معصوم

از نمازهای مستحبی شیعیان است که هر کدام آداب خاص خود را دارد و برخی دو رکعتی و برخی چهار رکعتی و برخی شش رکعتی هستند.

نماز امام زمان

از نمازهای مستحبی شیعیان است. این نماز دو رکعتی است و آداب خاص خود را دارد.

نماز هدیه به معصومین

از نمازهای مستحبی شیعیان است که آن را بجا آورده و ثواب آن را به معصومین هدیه می کنند.

نماز استغاثه

از نمازهای مستحبی است که دو رکعتی است و بهتر است قبل از خواب خوانده شود.

نماز آمرزش گناهان

از دیگر نمازهای مستحبی است که به نیت بخشیده شدن گناهان خوانده می شود. این نماز دو رکعتی است.

نماز شکر

از نمازهای مستحبی است که در هنگام حاصل شدن نعمت یا دفع بلا خوانده می شود.

نمازهای ماهانه

از دیگر نمازهای مستحبی است که بعضی از آن ها در تمام ماه ها مشترک هستند و برخی برای هر ماه و همچنین روزهای مشخص آن ماه آداب خاص خود را دارند

سایر مطالب مرتبط با مصاحبه و آزمون استخدامی

www.e-soal.ir

فروع دهگانه دین

انماز (نماز یومیه که ۵ بار در روز و ۱۷ رکعت میباشد)

روزه

حج: از مهمترین فروع دین است که مسلمانان با داشتن شرایطی مکف هستند که به دهه اول ذی الحجه به مسجدالحرام در مکه رفته و مجموعه ای از اعمال نیایشی را انجام دهند

زکات: از دستورات اسلامیت و در مورد چیزهایی وضع شده که انسان آنها را با کمک طبیعت به وجود می آورد، آن هم طبیعت سهل و ساده؛ یعنی انسان به نسبت کار کمی انجام می دهد و طبیعت کار بیشتر را انجام می دهد و محصول را مفت و رایگان در اختیار انسان می گذارد، بنابر نظر مشهور بین فقیهان، زکات، برنه چیز واجب است. در غلات: گندم، جو، خرما و کشمش. در دامها: گوسفند، شتر و گاو. در نقدینگی: طلا و نقره. جهت اطلاعات بیشتر از میزان هر یک کلیک کنید

خمس: یکی از انواع مالیات های اسلامی است که شیعیان بدان معتقدند و به منظور رفع مشکلات مالی امت اسلامی و توزیع عادلانه ثروت و تقویت بنیه مالی حکومت اسلامی وضع شده است^۱، میان خمس و زکات این تفاوت مهم وجود دارد که زکات جزء اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می شود، لذا مصارف آن عموماً در همین قسمت می باشد، ولی خمس از مالیات هایی است که مربوط به حکومت اسلامی است، یعنی مخارج دستگاه حکومت اسلامی و گردانندگان این دستگاه از آن تأمین می شود.

خمس را باید به مرجع تقلید یا نماینده آن تحویل داد

خمس در هفت مورد است: غنیمت جنگی، گنج، معدن، جواهر و هر آنچه با غواصی از دریا حاصل گردد، هر چه که از هزینه سالانه شخص و نفقه خوارانش سرافتد، مخلوط شدن حرام با حلال که قابل تمیز نباشد، شخصی که زمینی را از مسلمان بخرد

جهاد: جهاد اکبر که در حوزه های گوناگونی از جمله مبارزه با امیال نفسانی و جهاد اصغر که کوشش در دفاع از دین اسلام و گسترش قلمرو دین اسلام میباشد

امر ۴ معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود. و اگر همه افراد آن را ترك کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه آنها ترك واجب کرده اند.

امر ۴ معروف و نهی از منکر

امر ۴ معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط واجب می باشد و در صورت نبود آن شرایط تکلیف ساقط می شود و آنها عبارتند از:

کسی که امر یا نهی می کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است، پس هرکس نمی داند این عمل که او انجام می دهد حرام است یا نه جلوگیری واجب نیست.

احتمال بدهد امر یا نهی او تاثیر دارد، بنابراین اگر می داند تاثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.

شخص گناهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد، پس اگر معلوم شود، یا گمان کند، یا احتمال صحیح بدهد گناهکاری بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی کند، یا موفق به تکرار نمی شود، امر و نهی واجب نیست.

امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و همراهان، یا سایر مومنان نباشد.

مراتب مرتبه معروف و نهی از منکر
دانشگاه سوابق استخدای کشور
دانشگاه سوابق استخدای کشور
برای مرتبه معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین تر، مقصود حاصل شود؛ عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است:

با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه با او اینگونه عمل می شود مثل اینکه از او روبرگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند، یا با او رفت و آمد نکند.

امر و نهي با زبان؛ يعنى به كسى كه واجبى را ترك كرده دستور دهد كه واجب را به جا آورد و به گناهكار دستور دهد كه گناه را ترك كند.

استفاده از زور، براى جلوگيرى از منكر و برپايى واجب؛ يعنى زدن گناهكار (بنابر فتواى آيت الله خامنه اى مواردى كه امر به معروف و نهي از منكر متوقف بر چيزى بيشتر از امر و نهي زباني باشد، اگر در سرزميني باشد كه داراى نظام و حكومت اسلامى است و به اين فريضه اسلامى اهميت داده مى شود، احتياج به اذن حاكم و مسئولين ذيربط و پليس محلى و دادگاههاى صالح دارد) احكام امر به معروف و نهي از منكر

فراگيرى شرايط امر به معروف و نهي از منكر و موارد آن واجب است، تا انسان در امر و نهي مرتكب خلاف نشود.

اگر بداند يا احتمال دهد كه امر و نهي اش با تكرر موثر است، واجب است تكرر كند.

اگر بداند يا احتمال دهد، كه نهي او در حضور جمع موثر است نه تنهائى، اگر انجام دهنده، آن عمل را بطور آشكار انجام مى دهد جايز بلكه واجب است او را در جمع نهي كند و اگر چنين نيست بنا بر احتياط واجب جايز نيست.

و بدانيد كه هر چيزى را به غنيمت گرفتيد يك پنجم آن براى خدا و پيامبر و براى خويشاوندان [او] و يتيمان و بينوايان و در راهماندگان است...

تولي: به معنى دوست داشتن اهل بيت و محبت آنان را در دل داشتن است.

تبري: به معنایی بیزاری و دوری جستن از دشمنان خدا و کسانی که ولایت علی بن ابیطالب را قبول نکردند و با او و فرزندان او به مبارزه پرداختند، است.

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید يك پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و ینوایان و در راه ماندگان است...
سایر مطالب مرتبط با مصاحبه و آزمون استخدا

زکات

بنابر نظر مشهور بین فقیهان، زکات، بر نه چیز واجب است. در غلات: گندم، جو، خرما و کشمش. در دامها: گوسفند، شتر و گاو. در نقدینگی: طلا و نقره.

در غلات چهارگانه، اگر پس از خشك شدن، به نصاب لازم: ۲۸۸ من تبریز و ۴۵ مثقال کم، برابر با ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم برسد، قانون زکات آنها را در بر می گیرد و صاحبان آنها در هنگام وجوب زکات، که در گندم و جو، وقت بستن دانه، در خرما هنگام زرد، یا قرمز شدن و در کشمش هنگام بستن دانه های انگور است، باید زکات آنها را پس از کسر هزینه پردازد.

زکات غلات چهارگانه، آبیاری شده از آب باران، یا رودخانه و به وسیله دلو، یا موتور و... است که پس از جمع آوری محصول و کسر هزینه ها، باید پرداخت گردد.

در هر يك از دامهای سه گانه، نصاب جداگانه ای است. گوسفند پنج نصاب گاو دو نصاب و شتر ۱۲ نصاب دارد. اینها اگر در بیابان بچرند و همه سال، رها باشند و به کار گرفته نشوند و در تمام سال، در ملك مالك باشند، صاحبان آنها، باید شماری از آنها را، از باب زکات پرداخت کنند.

در پوله‌ای از جنس طلا و نقره سکه خورده اگر به نصاب لازم، که در طلا، نصاب نخست آن بیست و نصاب دوم آن چهار مثقال و در نقره نصاب نخست آن، ۱۰۵ و نصاب دوم آن ۲۱ مثقال است، برسند و در تمام سال، از آن مالك باشند و... باید مالك (۵/۲ درصد) آنها را از باب زکات، پردازد.

کتابشناسی اسلامی

در این پست به معرفی مهمترین کتب اسلامی به خصوص کتب مرجع خواهیم پرداخت که در هم در آرمون های استخدامی چه در بخش معارف و ادبیات و بخش کتابداری سولات متعددی از این بخش آورده میشود و همچنین در بخش مصابه نیز طبق گفته دوستان سولاتی متداولی به خصوص در بخش تخصصی از این بخش پرسیده میشود

کتب اربعه شیعه

۱. الکافی گردآوری توسط کلینی در سه بخش اصول (روایات اعتقادی)، فروع (روایات فقهی) و روضه (احادیث متفرقه)

۲. من لایحضر الفقیه گردآوری مجموعه احادیث در شش جلد در باب حلال و حرام و مجموعه قوانین شرعی توسط شیخ صدوق

۳. تذهیب الاحکام اولین کتاب شیخ طوسی که مجموعه احادیثی از فروع دین میباشد

۴. الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار اولین کتاب فقه الحدیثی توسط شیخ طوسی که به تعارض در اخبار حدیثی پرداخته است

حماسه حسینی که مجموعه سخنرانی ها و یادداشت های مطهری در باره واقعه کربلا و تحریفات تاریخی میباشد.

برای مشاهده لیست کامل کتب مطهری و دانلود کامل کتاب ها اینجا کلیک کنید

تفسیر المیزان از علامه طباطبائی که در ۲۰ جلد به زبان عربی تالیف شده است. این اثر توسط موسوی همدانی به فارسی ترجمه شده است.

اثر مهم دیگر علامه طباطبائی اصول فلسفه و روش رئالیسم است، این کتاب نخستین، و یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که به بررسی مباحث فلسفی، با توجه به رویکردهای حکمت فلسفی اسلامی و فلسفه جدید غربی پرداخته است، این اثر با همکاری مطهری تالیف شده.

رساله انسان قبل از دنیا در دنیا و بعد از دنیا، دیگر کتاب علامه طباطبائی این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.

بدایه الحکمه از علامه طباطبائی کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دوستان علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور شد.

نهایه الحکمه از علامه طباطبائی این اثر برای تدری فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزون تر و سطحی عالی تر تدوین شده است.

الغدیر از علامه امینی در ۲۰ جلد به زبان عربی که عمده بحث آن غدیر خم در دید اهل تسنن میباشد، او میگوید برای تالیف این کتاب ۱۰ هزار کتاب را به طور کامل مطالعه و به ۱۰۰ هزار کتاب مراجعه مکرر داشته!

نخج البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و اندرزهای امام علی (ع) که توسط سید رضی گردآوری شده

کتاب صحیفه سجاده، مجموعه‌ای از دعاها و مناجات امام چهارم شیعیان، زین العابدین علی بن الحسین است، این کتاب به «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد» و «اخت القرآن» نیز معروف است

کتاب التبیان الجامع لعلوم القرآن یا التبیان فی تفسیرالقرآن تفسیری از قرآن تالف شیخ طوسی به زبان عربی و در ۱۰ جلد است. این تفسیر در قرن پنجم هجری قمری تدوین شده است.

تفسیر تبیان نخستین تفسیر جامع شیعی است که شامل تمام مباحث و علوم قرآنی است. این تفسیر یکی از اصیل‌ترین و جامع‌ترین تفاسیر به شمار می‌آید، که منبع و مآخذ اصلی بسیاری از تفاسیر شیعه است.

الفهرست شیخ طوسی که فهرستی از مولفین کتب شیعی و مولفین آنها می‌باشد

الأبواب معروف به رجال شیخ طوسی

دانلود سوالات استخدامی
تازه ترین اخبار استخدامی کشور

www.e-soal.ir